**کتاب «شکست سقف شیشه‌ای» نوشته‌ی عادله عابدین‌پور، توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان منتشر شد.**

**عادله عابدین‌پور می‌گوید: «امروزه، مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون یکی از عوامل توسعه‌یافتگی کشورها به حساب می‌آید. بنابراین ملاک‌های انتخاب مدیران نباید تابع مفروضات سنتی باشد.  
در این کتاب به تجربه‌ی زیسته‌ی تعدادی از زنان مدیر که توانسته‌اند به مدیریت ارشد در بخش صنعت برسند، پرداخته‌ایم.  
زنان مدیر به دلیل ویژگی‌های کارآفرینانه‌شان با ایستادگی در مقابل مشکلات توانسته‌اند، سقف شیشه‌ای را بشکنند و به مدیریت ارشد سازمانی برسند و سعی بر آن داشتند که به شیوه و سبک زنانه مدیریت کنند.  
اگرچه زنان مدیر با حضورشان و نشان دادن توانمندی در این عرصه، در اذهان عمومی تا حدی تغییر نگرش صورت دادند و راه را برای دیگر زنان هموارتر کردند ولی به معنی وجود نداشتن سقف برای دیگر زنان نمی‌باشد و همچنان شاهد نابرابری‌های گوناگون هستیم.»**

**بخشی از کتاب، به توضیحِ نظریه‌ی «سقف شیشه‌ای» و عوامل پدیدآورنده‌ی آن اختصاص داده شده است. در بخشی از این توضیحات آمده است: «پدیده عدم توفیق زنان در دستیابی به سطوح عالی مدیریت را در اصطلاح سقف شیشه‌ای می‌گویند. این اصطلاح اولین بار در سال 1986، به وسیله مجله وال استریت جورنال به کار رفت همچنین موریسون و همکارانش از اولین کسانی هستند که در سال 1987 از این اصطلاح استفاده کردند. این اصطلاح در سال 1990 برای اشاره به تعداد اندک زنان و اقلیت‌ها در اداره سازمان‌های بخش دولتی و خصوصی به کار رفت. گاهی نیز برای اشاره به شکاف عمیق دستمزد در سطوح بالای توزیع درامدها به کار رفته است. به این معنا که کارکنان زن در گروه‌های بالای درامدی، در مقایسه با هم‌ردیفان مرد خود دریافتی کمتری دارند. سقف شیشه‌ای بیان می‌کند که زنان و اقلیت‌ها در دستیابی به سطوح بالای سلسله مراتب شکست می‌خورند. آنها به پست‌های عالی در سازمان نزدیک می‌شوند، اما بندرت آن را به چنگ می‌آورند. این سرخوردگی باعث می‌شود که تصور کنند یک سقف شیشه‌ای وجود دارد، یعنی موانعی تبعیض‌آمیز، در راه تلاش خود برای دستیابی به سطوح عالی مدیریتی در سازمان‌ها، مشاهده می‌کنند.»**

**نویسنده در بخشی از توضیحِ این کتاب نوشته است: «در این پژوهش تجربه زیسته 10 نفر از زنان مدیر که توانسته‌اند به مدیریت ارشد در بخش صنعت شهر مشهد برسند، در سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی بررسی کرده‌ایم که حاصل تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق در سیزده مقوله و یک مقوله‌ی هسته است.  
13 مقوله‌ی این پژوهش شامل: 1- پدرسالاری، 2- جامعه‌پذیری تحول‌گرا، 3- همسرحامی، 4- چالش کار و خانه، 5- قشربندی جنسیتی محیط کار، 6- ناامنی و آزار در محیط کار، 7- ادراک مدیریت زنانه، 8- ادراک کیفیت برتر زندگی مدیران زن بر سایر زنان، 9- نیاز به تلاش مضاعف نسبت به مردان، 10- ویژگی‌های تسهیل‌گر مدیریت، 11- تحرک شغلی، 12- حمایت پس از توانمندی، و 13- ادراک نیاز به بازاندیشی در قواعد سازمانی، است. پس از ترکیب، مقایسه و یکپارچه‌سازی مقولات عمده‌ی فوق، مقوله‌ی هسته‌ی زیر به دست آمد: مدیریت زنانه؛ چالش، مقاومت، توانمندی و شکستن سقف شیشه‌ای.»**

**لینک خرید کتاب «شکست سقف شیشه‌ای» :**[**http://roshangaran-pub.ir/bookshow/B122482205**](http://roshangaran-pub.ir/bookshow/B122482205)